

Examining war and corruption in the land from the perspective of jurisprudence and law of the Islamic Republic of Iran

Peyman Rokn al-Dini

Acceptance time: 1401/02/05

Publication time: 1401/03/30

Abstract :

The Islamic Penal Code approved in 1992 contains many innovations. One of these innovations is in the field of war and corruption.

In the former Islamic Penal Code, Moharebeh and Corruption in the Earth were used in one article and in the same meaning, but in the new law, these two titles are separated and are given in two articles with two completely different meanings.

What has caused the discussion in legal circles is the difference of jurists regarding war and corruption in the land, that the punishment related to this crime contained in the law is contrary to the opinion of famous jurists, and because the punishment of such a crime is very heavy and irreparable, it causes the jurists to be more sensitive. And contemporary jurists have been in this matter.

In this article, an attempt has been made to examine these differences and their causes and the different opinions of jurists and jurists regarding this crime to the extent of the author's scientific ability.

Keywords: Moharebeh, corruption on earth, jurisprudence, security, rights

بررسی محاربه و افساد فی الارض از منظر فقه و حقوق جمهوری اسلامی ایران

پیمان رکن‌الدینی

زمان پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ زمان انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

چکیده:

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، حاوی نوآوری‌های زیادی می‌باشد. از جمله این نوآوری‌ها در زمینه محاربه و افساد فی‌الارض است. در قانون مجازات اسلامی سابق، محاربه و افساد فی‌الارض، در یک ماده و به یک معنا به کار می‌رفتند ولی در قانون جدید این دو عنوان از هم تفکیک شده و در دو ماده و به دو مفهوم کاملاً متفاوت از هم آورده شده است. آنچه که موجب برانگیخته شدن بحث در محافل حقوقی شده است همین اختلاف فقها در محاربه و افساد فی‌الارض است که مجازات مربوط به این جرم مندرج در قانون، خلاف نظر مشهور فقها است، و چون مجازات چنین جرمی بسیار سنگین و غیرقابل جبران است موجب حساسیت بیشتر فقها و حقوق‌دانان معاصر در این امر شده است.

در این نوشتار سعی شده است به بررسی این اختلافات و علت آن و نظرات مختلف فقیهان و حقوق‌دانان در مورد این جرم در حد بضاعت علمی نگارنده پرداخته شود.

واژگان کلیدی:

محاربه، افساد فی‌الارض، فقه، امنیت، حقوق

مقدمه:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷، مسئله اسلامی شدن قوانین به صورت جدی در دستور کار قرار گرفت و باتوجه به منابع و متون فقهی قوانین زیادی به تصویب رسید و یا دستخوش تغییر و تحول اساسی شد که قانون مجازات اسلامی از این قاعده مستثنی نبود. باتوجه به این که نظام کیفری هر کشوری که ارتباط مستقیمی با آزادی و امنیت و آسایش مردم دارد، قوانین کیفری، می تواند نقش بسیار مهمی را ایفا کند و کسانی که مسئولیت تقنین این نوع قوانین را بر عهده دارند باید با دقت و حکمت به تصویب این قوانین بپردازند. همان طور که می دانیم با به وجود آمدن تکنولوژی و تبدیل شدن کشورها به دهکده جهانی، به تبع آن، جرایم مختلف و پیچیده به وجود آمده است که به طور غیرمنتظره ای، جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد و همچنین فقه پویای شیعه مدعی است که به تناسب زمان می تواند به روز شود و پاسخگوی نیاز بشر در جوامع اسلامی باشد.

محاربه و افساد فی الارض هم از عناوینی می باشند که بعد از انقلاب اسلامی در قوانین کیفری کشور ما ورود پیدا کردند و موادی را به طور متمرکز و پراکنده به خود اختصاص دادند. همان طور که در بالا ذکر کردیم با به وجود آمدن جرایم جدیدی مثل جرایم مواد مخدر به طور عمده، یا حملات میکروبی و شیمیایی که جان هزاران نفر را به خطر می اندازد، به تبع آن قانون مجازات اسلامی، در صدد واکنش مناسب و درعین حال شرعی به این نوع جرایم برآمده که گاهی راه افراط و گاهی راه تفریط را در پیش گرفته است.

قبل از تصویب قانون مجازات مصوب سال ۹۲، محاربه و افساد فی الارض به یک معنا به کار می رفتند و به صورت پراکنده (بند ماده، بند ۴ و ۵ و ۶ ماده ۵، ماده ۶، بند ۶ ماده ۸، مواد ۹ و ۱۱ و ۱۸ و ۳۵ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، ماده ۴ تشدید قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند الف ماده ۳ قانون نحوه مجازات شخصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیرمجاز می نمایند که مجازات اعدام مبتنی بر افساد فی الارض را پذیرفته اند.) در قوانین مختلف کیفری، مثل جرایمی تحت عنوان اختلال در نظام اقتصادی کشور مجازاتی را تعیین کرده

بود که با تعریفی که قانون مجازات اسلامی از جرم محاربه کرده بود یکسان نبود اما عنوان مجازاتی آن را محاربه ذکر کرده بود. اما در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲، افساد فی الارض را از محاربه تفکیک و برای هر کدام تعریفی جدا ذکر کرد. همان طور که گفته شد قوانین ما نشئت گرفته از متون و منابع فقهی است پس نظرات فقهای عظام نقش زیادی در چگونگی تدوین قوانین دارند.

در این نوشتار سعی به ارائه دو سؤال داریم: آیا محاربه و افساد فی الارض یک جرم واحد است یا دو جرم مختلف با مجازات یکسان؟ و دیگری این است که نظر فقها در رابطه با سال اول چیست و در صورت اختلاف، علت اختلاف آنها چیست؟ همچنین تحقیق حاضر با در نظر گرفتن فرضیه زیر صورت گرفته است که: در قانون گذار جمهوری اسلامی، به حق جرم افساد فی الارض را از محاربه تفکیک کرده است که هم دارای مبنای شرعی است و هم مبتنی بر نیاز عقلی جامعه امروز ما که دارای پیچیدگی ارتکاب جرایم سنگین و خطرناک می باشد.

تعاریف لغوی و اصطلاحی محاربه و افساد فی الارض

تعریف لغوی محاربه

محاربه ریشه در لغت حرب دارد و به معنی جنگیدن می باشد و مشتقات آن در قرآن کریم ده بار آمده است. همان طور که در زیارت عاشورا هم به آن اشاره شده است و (حرب لمن حاربکم) به معنای جنگ و در جنگ بودن است که در مقابل سلم، یعنی صلح و آشتی به کار رفته است. راغب در مفردات، حرب را به معنی مبارزه، جنگیدن و به دست آوردن آنچه هدف می باشد معرفی نموده است. (ابوالقاسم راغب اصفهانی، ۷۰۰ ه.ق.، ص ۲۱۱) و محاربه بر وزن مفاعله یعنی جنگیدن دو طرف با یکدیگر است.

تعریف لغوی افساد

مشتقات این واژه پنجاه بار در قرآن کریم با معانی متفاوت به مناسبت‌های مختلف تکرار شده است. راغب در مفردات، فساد را خروج از اعتدال معنی نموده است: «الفساد خروج الشیء عن الاعتدال» (ابوالقاسم راغب اصفهانی، ۷۰۰ ه.ق.، ص ۳۷۹).

تعریف اصطلاحی محاربه و افساد فی الارض

محاربه و افساد فی الارض یک اصطلاح فقهی، حقوقی است که در کتب فقه و حقوق دانان مورد بحث قرار گرفته است. در اینکه آیا محاربه و افساد فی الارض به یک معناست یا خیر، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که این اختلاف ناشی برداشت‌های متفاوت فقها از آیه ۳۳ سوره مائده می‌باشد که در ذیل به شأن نزول این آیه می‌پردازیم و نظر فقها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول: شأن نزول آیه ۳۳ سوره مائده:

در کافی به سند خود از ابی صالح از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده که فرموده: «عده‌ای از قبیله بنی ضبه در حالی که همه بیمار بودند به حضور رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) رسیدند، حضرت به ایشان دستور داد چند روزی نزد آن جناب بمانند تا بیماری‌شان بر طرف شده و بهبود یابند، آنگاه ایشان را به جنگ خواهد فرستاد، این عده می‌گویند: «از مدینه خارج شدیم، رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) ما را مأمور کرد تا در بیابان مدینه نزد شتران صدقه برویم و از شیر آنها بخوریم و بول آنها را بنوشیم و ما چنین کردیم تا همه بهبودی یافتیم و کاملاً نیرومند شدیم.» ، امام (علیه‌السلام) اضافه کردند که این عده همین‌که نیرومند شدند، سه نفر از چوپان‌های رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) را به قتل رساندند، رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) علی (علیه‌السلام) را برای دستگیری و سرکوبی آنان روانه کرد، حضرت علی آنان را در یک وادی پیدا کرد که به حال سرگردانی افتاده بودند، چون آن بیابان نزدیکی‌های یمن بود و آنان نمی‌توانستند از آن وادی خارج شوند، پس علی (علیه‌السلام) اسیرشان کرده به نزد رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) آورد و آیه (انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً.....) نازل شد (سید محمدحسین طباطبایی، ۱۳۸۶ ه.ش.، ص ۳۳۱).

محاربه و افساد فی الارض از منظر فقه

در این قسمت به نظر فقها در مورد محاربه و افساد فی الارض می‌پردازیم.

مبحث اول: تقسیم‌بندی نظریات فقها درباره جرم محاربه و افساد فی الارض

همان‌طور که در مطالب فوق اشاره کردیم اختلاف نظر فقها ناشی از برداشت از آیه فوق می‌باشد که این فقها عموماً به سه دسته تقسیم می‌شوند:

گروه اول: محاربه و افساد فی الارض را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند به عبارتی برای اینکه بخواهیم مجازات‌های ذکر شده در آیه ۳۳ مائده رو بر کسی تحمیل کنیم باید هم محاربه و هم افساد فی الارض را باهم داشته باشد. یعنی کشیدن سلاح بر وجهی که افساد فی الارض باشد که اکثر فقها چنین نظری دارند و امام هم در تحریر الوسیله همین نظر را اختیار کرده است. گروه دوم: محاربه و افساد فی الارض را معنای واحدی می‌دانند و آن را از هم جدا نمی‌کنند و مانند ابن حمزه در الوسیله: «المحارب کل من أظهر السلاح من الرجال أو النساء فی آی وقت و آی موضع». (کسی که به روی مردم سلاح می‌کشد). (محمد بن علی بن حمزه طوسی، ۵۱۴۰۸. ش.، ص ۲۰۶).

گروه سوم: که افراد قلیلی را در برمی‌گیرد محاربه و افساد فی الارض را جدا می‌دانند و قائل بر این هستند که مجازات مذکور در آیه ۳۳ مائده هم برای کسانی است که مرتکب حد محاربه شدند و هم برای کسانی است که مرتکب افساد فی الارض شده‌اند به عبارتی آن را مجازات واحد برای دو عنوان مجرمانه می‌دانند که قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ هم این نظر را پذیرفته است.

عموم اختلاف فقها در برداشت از آیه ۳۳ سوره مائده می‌باشد که این آیه در بالا ذکر شد.

مبحث اول: قائلان به اتحاد معنوی محاربه و افساد فی الارض

به عقیده این گروه جمله «یسعون فی الارض فسادا» برای تحقق معنای محارب است، لذا در اینجا «واو» تفسیریه به کاررفته است، به گونه‌ای که جمله دوم آیه «یسعون فی الارض فسادا» مفسر جمله اول «الذین یحاربون الله و رسوله» می‌باشد. بدین

ترتیب این دو جمله معنای متفاوت از هم ندارند و دارای یک مفهوم هستند. (منصوره سهرابی، ۱۳۹۲. ش.، ص ۱۰۲).

مبحث دوم: قائلان به عدم اتحاد معنوی «محاربه» و «افساد فی الارض»

بند اول: تحقق هر دو عنوان (محاربه و افساد فی الارض)

این گروه قائل به عدم اتحاد معنوی این دو مورد می‌باشند به عبارتی هم محاربه و هم قصد فساد در زمین را شرط تحقق مجازات مذکور در آیه ۳۳ سوره مائده می‌دانند و دلیلشان این است که کلمه «فسادا» در آیه را منصوب به حال، یا «واو» به کاررفته را «واو» حالیه می‌گیرند. همان‌طور که قبل ذکر کردیم امام خمینی (ره) چنین نظری داشتند که می‌فرمایند: «محارب هر آن کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید».

پس طبق این نظر برای تحقق محاربه و افساد فی الارض موضوع آیه ۳۳ سوره مائده سه شرط «تشهیر سلاح، قصد اخافه و قصد فساد در زمین» لازم است.

بند دوم: تحقق یکی از عناوین (افساد فی الارض)

به اعتقاد برخی از قائلان به عدم اتحاد معنوی محاربه و افساد فی الارض، موضوع عبارت است از «افساد فی الارض» و محاربه از آن جهت که از مصادیق افساد فی الارض است مشمول مقرر در آیه شده است به تعبیر دیگر، تحقق عنوان «و یسعون فی الارض فساد» برای مجازات‌های مذکور آن کافی است و رابطه بین دو عنوان در آیه اعم و اخص مطلق می‌باشد، بنابراین، عطف در اینجا از باب عطف عام (افساد فی الارض) بر خاص (محارب به مفهوم اصطلاحی آن) است. (محمدجواد سلمان پور، ۱۳۸۲ ه.ش.، ص ۱۴۱).

اکثر فقهای که در تعریف محاربه و افساد فی الارض، هر دوی اینها را به یک به معنا به کار برده‌اند باین‌وجود به صورت پراکنده جرایمی را نام برده‌اند که عنصر مادی آنها به تعریفی که از محاربه داده‌اند شباهت ندارد ولی از آن به افساد فی الارض نام برده‌اند که چند مورد را به طور مثال ذکر می‌کنیم.

۱. تکرار و عادت به کشتن اهل ذمه

اکثر فقها در کتاب قصاص متعرض این فرع شده‌اند که اگر کسی عادت به کشتن اهل ذمه پیدا کند، حکمش اعدام است و در این مسئله اختلاف دارند که این اعدام از باب حد مفسد فی الأرض است یا از باب قصاص؟ اکثر فقها از باب حد افساد فی الأرض دانسته‌اند.

۱/۱. و قال ابن جنید: «... فإن جعل المسلم ذلك عادة قتل بهم لا من طريق القود لكن لإفساده في الأرض ... و الوجه ما افاده الشيخ لنا انه مفسد في الأرض بارتكابه قتل من حرّمه الله قتله فجاز قتله حداً...». (علامه حلی، قرن ۷ ه.ق.، ص ۷۱۴).

۱/۲. شهید ثانی نیز این اعدام را از باب اجرای حد به خاطر ایجاد فساد در زمین می‌داند: «لانه مفسد فی الأرض بارتکاب قتل من حرّمه الله قتله...». (زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبّعی (شهید ثانی)، قرن ۱۰ ه.ق.، ص ۵۵).

۲. تکرار جرم کفن دزدی و نبش قبر

۲/۱. ابن ادریس می‌گوید: «... لما تكرر عنه الفعل صار مفسداً ساعياً في الأرض فساداً فقطعناه لأجل ذلك لا لأجل كونه سارقاً.» (ابی جعفر حلی (ابن ادریس)، ۱۴۱۰ ه.ق.، ص ۴۶۳).

۲/۲. ابن فهد الحلی در مهذب البارع در باب لزوم شروط سرقت در نبش قبر و کفن دزد می‌گوید: «... الإشتراط في المرّة الأولى دون الثانية و هو اختيار ابن ادریس في أول المسألة لانه في الأولى سارق فيعتبر فيه ما يعتبر في السارق لعموم الأخبار بالمساواة و في الثانية مفسد فيقطع دفعاً لفساده، لاحقاً و هو اطلاق الصدوق.» (ابن فهد الحلی، ۱۴۰۷ ه.ق.، ص ۳۵۲).

۲/۳. شهید ثانی نیز بر همین نظر است: «... و اما الثاني فلانه مع اعتياده مفسد فيقطع لإفساده.» (زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبّعی (شهید ثانی)، قرن ۱۰ ه.ق.، ص ۲۵۳).

۲/۴. شیخ مفید در مقنعه همین‌گونه فتوا می‌دهد و عنوان مفسد فی الأرض را بر آن بار می‌کند: «... إذا عرف الإنسان بنبش القبور و كان قد فات السلطان ثلاث مرّات كان الحاكم فيه بالخيار إن شاء قتله» (به نقل از محمدجواد سلمان پور، ۱۳۸۲ ه.ش.، ص ۱۴۳).

۳. آدم ربایی

۳/۱. ابن ادریس در سرائر می‌فرماید: «... و من سرق حراً صغيراً فباعه و جب علیه القطع و قالوا: لأنه من المفسدين

فی الأرض.»

۴. آتش افکندن در منزل دیگری

۴،۱. شیخ طوسی در کتاب نهابه می‌فرماید: «کسی که عمداً به منزل دیگری آتش افکند و منزل وی را با وسایل

آن به آتش بکشد، ضامن هر چه تلف شود، می‌باشد و کشته می‌شود.»

۴،۲. مرحوم علامه در ذیل کلام شیخ طوسی می‌فرماید: «والوجه کسی که عمداً به منزل دیگری آتش افکند و

منزل وی را با وسایل آن به آتش بکشد، ضامن هر چه تلف شود، می‌باشد و کشته می‌شود.»

۴،۳. مرحوم علامه در ذیل کلام شیخ طوسی می‌فرماید: «والوجه ما قال شیخ: ... لنا أنه من المفسدين فی الأرض»

و دلیل نظر طوسی را افساد فی الأرض می‌داند. (محمد بن الحسن طوسی، قرن ۵ ه.ق.، ص ۲۵۱).

۵. ربودن اموال به وسیله نامه‌های دروغ و مدارک کاذب

۵/۱. شیخ طوسی در این موضوع قایل به قطع دست به خاطر فساد فی الأرض شده است. ایشان در استبصار ذیل

روایتی در باب سرقت از طریق ارسال نامه و مدرک دروغ می‌فرماید: «فالوجه فی هذا الخبر أن نحملة علی أن

من يعرف بذلك بأن يحتال علی أموال المسلمین جاز للامام أن یقطعه لأنه مفسد فی الأرض لأنه سارق لأنّ

هذه حيلة...» (محمد بن الحسن طوسی، قرن ۵ ه.ق.، ص ۲۴۳).

۶. جرم ساحر و قتل وی

شیخ طوسی در کتاب خلاف می‌فرماید: «... و قد روی أصحابنا أنّ الساحر یقتل و الوجه فی هذه الروایة أنّ هذا من الساحر

افساد فی الأرض و السعی فیها به و لأجل ذلك و جب فیہ القتل.» (محمد بن الحسن طوسی، قرن ۵ ه.ق.، ص ۱۶۳).

مبحث چهارم: نظر برخی از فقهای معاصر در رابطه با محاربه و افساد فی الارض برخی از فقها افساد فی الارض را عنوان مستقلی

می‌دادند که با عنصر مادی مشهور در محاربه متفاوت است.

استفتا از آیت الله مکارم شیرازی مرجع تقلید معاصر:

الف) تعریف «محارب» و «مفسد فی الارض» را از نظر فقهی و اصطلاحی بیان فرمایید.
جواب: «محارب به کسی می‌گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد و در محیط اجتماع ناامنی ایجاد کند و مفسد فی الارض کسی است که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود؛ هر چند بدون توسل به اسلحه باشد، مانند قاچاقچیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را باور گسترده ایجاد می‌کنند.» (ناصر مکارم شیرازی، ۱۴۷۲ ه.ق.، ص ۴۹۹).

استفتا از آیت الله نوری همدانی مرجع تقلید معاصر

آیا محاربه با افساد فی الارض فرق دارد؟ «در بیشتر موارد فرق دارد. مفسد فی الارض کسی است که امنیت اجتماعی را به هم بزند هر چند بدون توسل به اسلحه باشد.» (گنجینه آرای فقهی، ۱۳۸۱ ه.ش.، سوال ۶۴۸۴).

همچنین آیت الله مومن از فقهای شورای نگهبان می‌گویند:

«ذکر عنوان محاربه در ابتدا [آیه] و سپس عطف «سعی در فساد زمین» بر آن در مقام بیان علت تعدد مجازات، دلالت دارد بر آن که «سعی در افساد زمین» علت اساسی و تمام سبب برای ترتب چند نوع مجازات مذکور است. بنابراین هرگاه این عنوان محقق شد - اگرچه بدون عنوان محاربه باشد - برای ترتب مجازات‌های مذکور، کافی است.» (جمعی از مؤلفان، قرن ۱ ه.ق.، ص ۵۵).

فصل سوم: تحولات مواد مربوط به محاربه و افساد و فی الارض قوانین کیفری

همان‌طور در مقدمه ذکر کردیم در قانون مجازات سابق، عنوانی تحت محاربه و افساد فی الارض وجود داشت. ماده ۱۸۳ اشعار می‌داشت: هرکس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و افساد فی الارض است. البته به صورت پراکنده در قوانین کیفری به طور خاص به مفسد فی الارض اشاره شده بود مثل قانون مبارزه با مواد مخدر، اما در قانون مجازات اسلامی جدید برای اولین بار در نظام تقنینی ایران حد محاربه و افساد فی الارض را تفکیک کرده و آن را جدای از هم دانسته است همچنین حدی بنام بغی نیز به مواد قانونی سابق اضافه شد. در قانون جدید ماده ۲۷۹ محاربه را این‌گونه تعریف کرده است: محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.

و همچنین درباره افساد فی الارض بیان داشته است: ماده ۲۸۶: هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره: هرگاه دادگاه از مجموعه ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ محکوم می‌شود.

البته آنچه در تعریف محاربه و افساد فی الارض قابل انتقاد است این است «که در تعریف قصد ارباب و اضافه به عنوان شرط لازم تحقق بخش جرم محاربه لحاظ نشده است که این تعریف با فقه امامیه انطباق ندارد و همچنین در افساد فی الارض مانند محاربه، قصد افساد فی الارض، یا قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، و یا علم مرتکب مبنی بر اینکه اقداماتی همچون جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، اخلال در نظام اقتصادی کشور و جرایم امنیت داخلی یا خارجی کشور در نظم عمومی اخلال گسترده ایجاد می‌کند لحاظ نشده است بلکه تنها نتیجه اخلال شدید در نظم عمومی کشور و ماند آن در تحقق جرم افساد فی الارض کافی تلقی شده است. (ناصر قربان‌نیا، ۹۳ ه.ق.، ص ۱۱۶-۱۱۷-۱۱۹).»

جمع‌بندی:

با تأسیس نهاد شورای نگهبان، تمام قوانین مصوب در مجلس شورای اسلامی باید به تأیید این نهاد مبنی بر عدم مغایرت با شرع برسد که قوانین کیفری هم از این امر مستثنی نیست. برای تصویب قوانین جزایی و بار کردن مجازات بر متخلفین در جامعه اسلامی، باید این قوانین در قالب ظرفیت‌های شرعی به تصویب برسد. در سیستم حقوقی اسلام، برای مجازات افراد چند عنوان بیشتر وجود ندارد که می‌توان از حدود، قصاص و تعزیز نام برد به عبارتی اگر بخواهیم کیفری را بر فردی تحمیل کنیم باید ذیل یکی از عناوین مذکور قرار گیرد و به‌طریق‌اولی مجازات اعدام هم باید ذیل یکی از این عناوین قرار گیرد. در تعزیزات به علت وجود قاعده معروف «التعزیز مادون الحد» نمی‌توانیم اعمال مجازات اعدام را جایز بدانیم چه کلمه «دون» را «غیر» بدانیم و چه «کمتر و پایین‌تر». پس بر اساس آنچه گفته شد باید اعدام را در عنوان دیگری غیر از تعزیز جست. (غلامحسین الهام - محسن برهانی، ۹۲.ه.ش.، ص ۱۲۸).

در قصاص هم که موارد معینی وجود دارد که بحث از جرم علیه تمامیت جسمانیت اشخاص و مقابله‌به‌مثل کردن می‌باشد. پس عنوان دیگری که باقی می‌ماند حد است.

همان‌طور که آگاهیم امروزه جرایمی که به علت ویژگی خاص، امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را با بحران مواجه می‌کند. با پیشرفت علم و فناوری در عرصه جهانی، جرایم هم به‌صورت پیشرفته و سازمان‌یافته رخ می‌دهد که تأثیرات بسیار مخربی را به بار می‌آورد که در اکثر موارد جبران آن غیر قابل امکان است اصولاً واژه مافیا هم در سراسر جهان در همین راستا به کار می‌رود. از جمله می‌توان به مافیای اقتصادی، مافیای سیاسی یا مافیای قاچاق مواد مخدر و غیره اشاره کرد. در کشور ما که بنام اسلام مزین است و احکام اسلامی باید در آن اجرا شود، گاهی اخبار جرایم مخرب به سمع ما می‌رسد از جمله ورد کلان و چند صد کیلویی مواد مخدر مثل هروئین که می‌تواند مردم یک کشور را به ورطه نابودی بکشاند یا فسادهای کلان اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی که می‌تواند امنیت مردم را از بین ببرد. یا مواردی مثل جرایم بیوتروریسمی مانند پخش مواد میکروبی که حتی گفته شده است با ۱۵ گرم آن می‌تواند تمام مردم جهان را به کام مرگ بکشاند (سایت ایسنا، ۹۲.ه.ش.) و جرایم بزرگ دیگری که در خارج از حوصله این نوشتار است که می‌تواند امنیت جامعه را به‌طور کلی از بین ببرد که موجب آسیب شدید بافت جوامع بشری شود.

آیا به‌راستی به رخ‌دادن چنین جرایمی چه مجازاتی باید برای چنین مجرمینی در نظر گرفت؟ به نظر می‌رسد مجازات مرگ هم برای چنین جرایمی کم است. حال همان‌طور که ذکر شد اکثر فقها عنوانی را تحت افساد فی‌الارض قبول ندارند و مفسد فی‌الارض را با محاربه یکی می‌دانند و عده معدودی از فقها افساد را جدای از محاربه پذیرفته‌اند. باتوجه‌به اینکه برای

صیانت از امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و جلوگیری از فروپاشی جامعه اسلامی و عبرت دیگران، به نظر نگارنده اشکالی به وجود نمی‌آید اگر نظر مشهور را فقها را نپذیریم و نظر اقلیت را بپذیریم همان‌طور که در مبحث ارث زن از عین اموال غیرمنقول، نظر اقلیت را پذیرفته‌ایم یا بحث شلاق حدی فاعل در لواط که در قانون سابق اعدام بود ولی در قانون فعلی صد ضربه شلاق است که این هم نظریه مشهور فقها نیست. همچنین امام خمینی که بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بودند مجازات اعدام رو قالب مفسد فی الارض جایز دانسته‌اند و آن را به تشخیص محاکم صالحه موکول کرده‌اند.

استفتاء از امام خمینی (ره)

آیا محارب و مفسد فی الارض فقط کسانی هستند که تهیّه و تجهیز سلاح برای ایجاد فساد در زمین می‌کنند؟ یا اگر اشخاصی هم بدون تجهیز سلاح در کشور افساد می‌کنند (مثل قطع الطريق) یا نسبت به بعضی از مقامات سوء قصد می‌نمایند، و یا مردم را تحریک کنند که بر ضد انقلاب اسلامی عملی انجام دهند، محارب محسوب می‌شوند؟

جواب: «محارب و مفسد دو موضوع است، و تشخیص آن با محاکم صالحه است.» (سید روح‌الله موسوی خمینی، ۱۴۲۲ ه.ق.، ص ۶۵). حتی همان‌طور قبلاً بیان کردیم آن فقهای هم که محاربه و افساد را یکی می‌دانند باز هم به صورت پراکنده، جرایمی را تحت عنوان مفسد فی الارض نام برده‌اند بدون آنکه شرایط مادی جرم محاربه یعنی تشهیر سلاح وجود داشته باشد. (البته روشن نیست چرا اکثر فقها که جرمی را افساد فی الارض می‌دانند برای آن اعدام در نظر گرفته شده است و چهار مجازات مذکور در آیه ۳۳ سوره مائده بیان نشده است. همچنین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ هم برای مجازات افساد فی الارض، فقط اعدام را در نظر گرفته و قطع دست و پا و صلب و تبعید را نام برده است).

ما حتی اگر نظر مشهور فقها را در بحث افساد فی الارض بپذیریم به مشکل دیگری برمی‌خوریم و آن این است که نمی‌توانیم مجرم در جرایم مذکور در فوق را به حبس ابد محکوم کنیم. پس این نوع مجرمین به راحتی از نظام عدالت کیفری می‌گریزند. (سید مصطفی محقق داماد، ۱۴۰۶ ه.ق.، ص ۲۱۸).

البته نکته‌ای که قابل ذکر است، اینکه مجازات اعدام را باید به صورت استثنا در افساد فی الارض بپذیریم به معنای این نیست که ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، ماده خوبی است. بلکه این ماده باعث صدور حکم در بسیاری از جرایمی خواهد بود که تا پیش از این در مورد آن‌ها مجازات اعدام صادر نمی‌شد. (غلامحسین الهام - محسن برهانی، ۱۳۹۲ ه.ش.، ص

به همین دلیل وسعت دایره این جرم، باب سوءاستفاده از این ماده را باز خواهد کرد که قاضی هرطور بخواهد تصمیم بگیرد و از این نظر قابل انتقاد است و باید به شیوه درست و قابل معینگی اصلاح شود.

پیشنهادهای تحقیق

۱. رابطه جرم سیاسی یا افساد فی الارض افساد فی الارض از نظر مذاهب اسلامی
۲. رابطه جرم سیاسی یا افساد فی الارض
۳. رابطه بغی و افساد فی الارض
۴. مواد مخدر بر اساس حد افساد فی الارض است یا تعزیرات
۵. بررسی جرم محاربه از منظر فقه امامیه و مذاهب اربعه
۶. بررسی رابطه اسیدپاشی، محاربه و افساد فی الارض از منظر فقه و حقوق کیفری
۷. بررسی مبانی فقهی محاربه و افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۹۲ با تأکید بر نظریات آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی
۸. بررسی امکان تطبیق عنوان محاربه بر انتقال گسترده ویروس عامل ایدز
۹. ملاک افساد فی الارض بر اساس تقنین است یا نظر قاضی
۱۰. نسبت میان جرم‌انگاری دو عنوان محاربه و افساد فی الارض با حقوق بشر
۱۱. تحلیل فقهی جرایم اقتصادی بر اساس افساد فی الارض

۱. قربان نیا، ناصر، ملاحظاتی درباره قانون مجازات اسلامی ۹۲ نقد و بررسی فقهی حقوق، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ۹۳
۲. ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی (۰۰۰-۵۰۲ ه.ق)، نشر دارالفکر، بیروت
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، ۱۳۸۶
۴. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسیلة إلى نیل الفضیلة، در یک جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
۵. شهید ثانی (الجبعی العاملی) زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ۲ جلدی، قم دار الهدی للطباعة و النشر، بی تا،
۶. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، تحریر الاحکام، ۲ جلدی، قم مؤسسه آل البيت، بی تا، ج ۲ ص ۷۱۴
۷. حلی (ابن ادريس)، ابی جعفر، السرائر، چاپ اول، ۳ جلدی، قم مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق
۸. طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، ۳ جلدی بی چا، قم مطبعة الحکمه، بی تا.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار، ۴ جلدی بی چا، نجف، مطبعة النجف، ۱۳۷۵ ق
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، یک جلدی، بیروت دار الاندلس (افست منشورات قدس)، بی تا.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، مصحح ابوالقاسم علیان نژاد، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷، چاپ دوم، سه جلد
۱۲. الهام، غلامحسین، برهانی محسن، در آمدی بر حقوق جزای عمومی، واکنش در برابر جرم، جلد دوم، چاپ دوم، پاییز ۹۲، نشر میزان
۱۳. خمینی، سید روح الله موسوی، استفتائات (امام خمینی)، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ایران، پنجم، ۱۴۲۲ ه.ق.
۱۴. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۰۶ ه.ق.

۱۵. سهرابی، منصوره، بررسی تفسیری رابطه افساد فی الارض با محاربه با تاکید بر آیه ۳۳ سوره مائده فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۱۶، سال چهارم، زمستان ۹۲
۱۶. سلیمانپور، محمدجواد، ۱۳۸۲، «مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر»، فقه اهل البیت، شماره ۳۵، قم، دائره المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل بیت
۱۷. متن فقهی، سایت ایسنا سه شنبه ۱۲ تیر ۹۲